

# دندان پزشکی جرجانی از یادگار

سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر،  
انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم  
پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹خ، برگه ۵۳۲ - ۵۳۶.



۱	دندان پزشکی جرجانی از یادگار
۱	زیست‌نامه جرجانی
۱	جرجانی پزشکی نویس پارسی
۲	تتمة صوان الحكمة
۲	مُعجم البلدان
۴	تاریخ طبرستان
۴	عیون الأنباء
۵	مطرح الأنظار
۱۰	دهان و لب و زبان و دندان و حنجره و حلق
۱۰	آماس بافت نرم
۱۰	ترک لب
۱۰	دمیدگی دهان
۱۱	خون آمدن از بن دندان
۱۲	آسیب بافت سخت دهان
۱۲	سستی دندان
۱۲	خورده شدن گوشت بن دندان
۱۲	سرشته خوشبوکننده بوی بد دهان
۱۳	درد دندان
۱۴	سیاهی دندان
۱۴	سنون بزرگ
۱۶	ضفدع

ذکر  
دکتر محمد ابراهیم

کتابنامه ..... ۱۷

نمایه کتاب و مقاله ..... ۱۷

ذکر  
دکتر محمد ابراهیم

دندان‌پزشکی جرجانی از یادگار

۱

## دندان‌پزشکی جرجانی از یادگار

## زیست‌نامه جرجانی

جرجانی پزشکی نویسنده پارسی<sup>۱</sup>

امیر سید، امام زین‌الدین ابوبراهیم اسماعیل فرزند حسن فرزند محمد فرزند محمود فرزند احمد حسینی جرجانی (گرگانی)<sup>۲</sup> ملقب به زین‌الدین، شرف‌الدین، ابوالفضائل، معروف به سید اسماعیل جرجانی از پزشکان و دانشمندان نامدار ایران و جهان در سده‌های پنجم و ششم هجرت بود. وی در سال ۴۳۴ق / ۱۰۴۲م در گرگان زاده شد و پس از ۹۷ سال زندگی پربرکت در سال ۵۳۵ق / ۱۱۴۰م در مرو چشم از جهان فرو بست، هرچند جرجانی آثار گرانبها و ارزنده از خود به جای گذاشت، ولی از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست.

<sup>۱</sup> کهن‌ترین کتاب فارسی پزشکی که تا کنون به دست ما رسیده «هدایة المتعلمین فی الطب» نوشته ابوبکر ربیع فرزند احمد اخوینی بخاری است که در نیمه دوم سده چهارم هجرت نگاشته شده است، قدیمی‌ترین نسخه این کتاب که در تاریخ ۴۷۸ رونوشت‌برداری شده، در کتابخانه «بادلیان» آکسفورد انگلستان نگاه‌داری می‌شود. ابومنصور موفق فرزند علی هروی، داروساز و پزشک بزرگ ایرانی که در قرن چهارم می‌زیست، نخستین کتاب داروسازی به زبان فارسی را به نام «الأبئیة عن حقایق الأدوية» نگاشت. این کتاب نسخه‌ای به خط اسدی طوسی شاعر و مؤلف گرشاسب‌نامه و لغت فرس که تاریخ آن ۴۴۷ق و کهن‌ترین نسخه خطی به زبان پارسی است در کتابخانه ملی وین موجود است. تنها اثر پزشکی فارسی این‌سینا رساله کم‌حجم و پرمحتوای نبضیه (رگ‌شناسی) است. هدایة المتعلمین، به کوشش جلال متینی ۱۳۴۴خ؛ الأبئیة، به کوشش بهمنیار ۱۳۴۶، رساله نبضیه، به کوشش مشکوة، ۱۳۱۷خ، به چاپ رسید. (تاریخ دامپزشکی ایران، ج ۲؛ حسن تاج‌بخش، ۲۹۴، ۲۹۶، ۳۰۵)

<sup>۲</sup> نام پدر یا نیای او را برخی حسین نگاشته‌اند (نک: تاریخ‌گزیده ۶۸۶؛ حبیب‌السیب، ج ۲، ۶۴۱).

دکتر محمد ابراهیم

## تتمة صوان الحکمة

ظهیرالدین ابوالحسن علی فرزند زید بیهقی (د: ۵۶۵ق) نویسندهٔ تتمهٔ صوان الحکمة نخستین کسی است که از جرجانی یاد کرده است. وی در سال ۵۳۱، سید اسماعیل را که دیگر کهن پیری نزدیک به پایان زندگی بود، در سرخس دیدار کرده بود. وی را زنده‌کنندهٔ دانش پزشکی دانسته، وارستگی و دانش او را ستوده است.

او در پایان کتاب خویش چنین یاد می‌کند: الأمير السید الامام زین‌الدین اسماعیل الحسینی الطیب: احیاء طب و سایر علوم کرد به تصانیف دانش فزای خود.

امام حکیم فیلسوف ظهیرالدین ابوالحسن بیهقی گوید<sup>۱</sup>: او را در سنة احدی و ثلاثین و خمسمائة دیدم در سرخس، او آن چه خلاصه بود، از عمر گذرانیده بود، و در آن روزگار در خوارزم خفی علائی را و کتاب ملوکی را و کتاب ذخیره و کتاب اغراض و کتاب یادگار و کتابی دیگر در حکمت و کتابی در ردّ بر فلاسفه و کتاب یوم و لیلۀ تصنیف کرده بود و جهان از تصانیف او مالا مال دانش بود. و امام زین‌الدین اسمعیل را با فضایل جسمی، لطف معاشرت و حسن اخلاق و کرم نفس جمع بود و این رساله از فواید اوست که کتاب بدان ختام و ختامهٔ مشک می‌یابد.<sup>۲</sup>

## مُعجم البلدان

یاقوت حموی (د: ۶۲۶ق) نویسندهٔ کتاب مُعجم البلدان که خود در سال‌های ۶۱۴ - ۶۱۶ در مرو بود و پیش از حملهٔ مغول از آن جا به خوارزم، سپس به هرات رفت. یاقوت توانایی بالای او را در دانش پزشکی و رفتن او را به چند شهر و یکی از آموزگاران و اجازت روایت‌دهندگان وی را که قشیری است و یکی از شاگردانش را که سمعانی نام دارد، یاد می‌کند.

<sup>۱</sup> مقصود مؤلف تتمهٔ صوان الحکمة است.

<sup>۲</sup> تتمهٔ صوان الحکمة، ترجمهٔ ناصرالدین فرزند منتجب‌الدین یزدی ۱۰۱ - ۱۱۰.

نک: تاریخ حکماء الإسلام؛ یا تتمهٔ صوان الحکمة، ابن‌فندُق، ظهیرالدین ابوالحسن علی فرزند ابوالقاسم زید بیهقی (۴۹۹ - ۵۶۵ق / ۱۰۹۷ - ۱۱۶۹م)، چ. لاهور، ۱۳۵۹ق؛ دیگر: تحقیق محمد کردعلی، مطبوعات المجمع العلمی العربی بدمشق، مطبعة العربی، دمشق، ۱۹۴۶م؛ دیگر: ترجمهٔ فارسی آن درة الأخبار، منشی یزدی، چ. تهران ۱۳۱۸خ.

دندان‌پزشکی جرجانی از یادگار

۳

**یاقوت در شناسه جرجان، درباره جرجانی گوید:** ابوابراهیم اسماعیل فرزند حسن فرزند محمد فرزند احمد علوی حسینی از مردم گرگان بود. پزشکی خوب می‌دانست و تألیفاتی نیکو به تازی و پارسی در آن رشته داشت<sup>۱</sup>. وی به خوارزم رفت و مدتی در آن جا بزیست سپس به مرو منتقل شد و در آن جا بماند. یگانه زمان خود بود. **می‌گفت:** او از ابوالقاسم قشیری برشونده و کتاب اربعین را از وی روایت می‌کند و خود به ابوسعید سمعانی اجازت داده است. در مرو به سال ۵۳۱ در گذشت<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> أغراض الطیبة و المباحث العلالیة الذریعة، ج ۲، ۲۵۱، شماره ۱۰۰۹ و ج ۱۱، ۹۵، شماره ۵۸۰؛ الذخیرة فی الطب را برای سلطان علاءالدین تکش خوارزمی به سال ۵۰۴ ق نوشت. هر دو از لیسید الامیر المرتضی زین الدین تاج العترة ابي ابراهیم اسماعیل بن الحسین بن الحسن الجرجانی المتوفی (۵۳۵) أو (۵۳۱) و به فارسی هستند. (ذریعه، ج ۱۰، ۱۰، شماره ۵۳)؛ منتخب ذخیره خوارزمشاهی، خفی علائی یا الخفیة العلالیة نامیده می‌شود. الذریعة، ج ۲، ۴۰۴، شماره ۷۶۳۲ برای الامیر إسفہسالار نصرالدین (بهاء الدین) محمد علاءالدوله ولیعهد اتسز الخوارزمشاه. نوشته شد. یادگار فی الطب، الذریعة، ج ۲، ۲۶۵.

<sup>۲</sup> معجم البلدان، برگردان علی نقی منزوی، ج ۲، ۳۷.

نک: معجم البلدان، یاقوت حموی شهاب‌الدین ابوعبدالله فرزند عبدالله رومی (۵۷۴ - ۶۲۶ ق / ۱۱۷۹ - ۱۲۲۹ م)، چاپ لایپزیک (۱۸۷۳ - ۱۸۶۶ م) افسر تهران، ۱۹۶۵ م، برگردان به پارسی دکتر علی نقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پارسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰ خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳ خ به چاپ رسانید و امید به چاپ دیگر جلد‌های ترجمه شده آن. من [ذاکر] نزدیک به سه سال است که پیگیر چاپ مانده ترجمه دکتر منزوی بودم و در رفت‌وآمدها به پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی ترجمه کامل و چاپ نمونه آن را در حضور ریاست محترم آن مرکز آقای دکتر مسیب امیری دو بار دیدم. یک بار دی ماه ۱۴۰۰ به همراه دکتر حجت‌الحق حسینی و مهندس ارفعی در حضور ریاست برای یافتن راهی جهت چاپ آن بود که ریاست محترم تقاضای همراهی بنیاد و مرکزی جهت همیاری برای چاپ داشتند و بار دیگر به همراه دکتر اکبر ایرانی قمی ریاست مرکز پژوهشی میراث مکتوب وابسته به وزارت ارشاد، بنیادی دولتی جهت اعلام همیاری برای چاپ کامل و دوباره آن با کمک میراث مکتوب بود که افسوس بازهم در محاق فراموشی قرار گرفت. شایان توجه است که پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری در سال ۱۳۹۶ خ شماره فیپا جدیدی برای چاپ یک دوره کامل آن شامل شش جلد از مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران

ذاکر  
دکتر محمد ابراهیم

## تاریخ طب‌رستان

محمد فرزند حسن فرزند اسفندیار در تاریخ طب‌رستان (نگارش: ۶۱۳ق) درباره جرجانی گوید: [و سید ابوالفضایل اسماعیل بن محمد الموسوی الجرجانی، که از تصانیف اوست کتاب ذخیره خوارزمشاهی، کتاب یادگار، کتاب اغراض، کتاب خُفی علائی، کتاب ترجمه قانون ابوعلی سینا]<sup>۱</sup>.

## عیون الأبناء

ابن ابی‌اصیبعه (د: ۶۶۸ق) در کتاب تاریخ پزشکی خود درباره جرجانی گوید: شریف شرف‌الدین اسماعیل [جرجانی] پزشکی والجاه و اندیشمند و والامقام در دربار علاء‌الدین محمد خوارزمشاه بود که نزدش مرتبتی بالا داشت. ماهی هزار دینار از سوی شاه به او داده می‌شد. ورزیدگی و نوشته‌هایش در دانش پزشکی مشهور است. او پس از عمری دراز، در روزگار خوارزمشاه در شهر .....<sup>۲</sup> درگذشت.

## اسماعیل جرجانی راست، کتاب‌هایی:

- ۱- کتاب الذخیره خوارزمشاهی در ۱۲ کتاب؛
- ۲- کتاب الاغراض فی الطب [اغراض الطبیه و مباحث العلائیه] در دو کتاب و به زبان پارسی است؛
- ۳- کتاب یادگار در یک کتاب است و به زبان پارسی است و آن را برای خوارزمشاه نگاشت؛

گرفته بود که من آن را در شناسنامه چاپ نمونه دیدم و در ردیابی آن از کتابخانه برابرخوانی نیز کردم. امیدوارم شرایط مالی کشور بهبود یابد تا این اثر تاریخی از دانش جغرافیا که دربرگیرنده بخشی بزرگ از تاریخ علم ایران و جهان اسلام است، به زودی پخش گردد و در دسترس اندیشمندان این مرز و بوم و کشورهای پارسی‌زبان برسد.

<sup>۱</sup> تاریخ طب‌رستان، ج ۱، ۱۳۷.

نک: تاریخ طب‌رستان، ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد فرزند حسن (تألیف ۱۳ق) + اولیاء‌الله آملی (تألیف ۷۶۰ق)، تصحیح و مقدمه‌نگاری عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۰خ، دو جلد.

<sup>۲</sup> افتادگی از متن است.

## مطرح الأنظار

رکن‌الحکماء فیلسوف‌الدوله در کتاب *مطرح الأنظار* (نگارش: ۱۳۲۴ق) در مورد جرجانی گوید: از افاضل اطبا و اعظام حکمای اوایل مائه ششم هجریه، در صناعت طبیه در دورهٔ اسلامیة مقنن قانون و مجدد رسوم است، چنانچه تألیفات او بر این دعوی گواهی صادق و برهانی ناطق می‌باشند.

مولد و منشأ آن فیلسوف بزرگ جرجان است و از ابن‌ابی‌صادق طبیب نیشابوری و بعضی از اطبای عراق و فارس استماع نموده و با بعضی از تلامیذ شیخ رئیس بوعلی سینا که در جرجان بوده‌اند صحبت داشته، در زمان سلطنت قطب‌الدین محمد فرزند انوشترکین که اول سلاطین خوارزمشاهیان است به خوارزم رفت، خوارزمشاه از کثرت فضایل و حذاقت او اطلاع حاصل نمود اعزاز و اکرام فراوان در حق وی مبذول داشت و آن طبیب هنرمند را در حفظ صحت و ازالهٔ اسقام اعتماد تام پیدا کرد و هم در سلک ندما و خواص خویش منسلک نمود و ماهی هزار تومان در حقش مقرر فرمود و آن حکیم بی‌نظیر در مقابل این تشریف کتاب ذخیره خوارزمشاهی را به نام آن پادشاه ذی‌جاه تألیف و اسم او را ابد‌الدهر در صفحهٔ روزگار پایدار گذاشت و آن کتاب در دوازده مجلد و اول کتابی است که در دورهٔ اسلامیة در علم طب به زبان فارسی نوشته شده، بالجمله آن طبیب لبیب در اواخر عمر به شهر مرو نهضت کرد و در دربار پادشاه عادل سلطان سنجر سلجوقی مکرماً مشغول تدریس و تألیف کتب بود تا وقتی که زندگانی را بدرود گفت و در شهر مرو مدفون گردید.

سال وفاتش بنا به نوشتهٔ معجم البلدان و کشف‌الظنون در سنه ۵۳۱ و برخی ۵۳۵ ضبط کرده‌اند. این که بعضی از مؤرخین حکیم را معاصر خوارزمشاه تکش نوشته‌اند، سهوی فاحش است چه که تألیف کتاب ذخیره چنان که خود حکیم در دیباچهٔ آن کتاب یاد کرده در سال ۵۰۴ هجری ابتدا شده و بر اهل تاریخ پوشیده نیست که زمان مزبور اوان سلطنت خوارزمشاه قطب‌الدین محمد فرزند انوشترکین بوده نه زمان خوارزمشاه تکش.

کتاب ذخیره خوارزمشاهی از تألیفات آن حکیم است که اسمش گذشت و آن کتاب از اجل کتب طبیه است.

ملا عبدالله کاتب چلبی در حق آن کتاب گوید: و یقال إنَّه أحيى الطبَّ به / گویند با نگارش این کتاب دانش پزشکی را زنده و احیا ساخت.

دیگر از کتب وی کتاب أغراض است که نیز به فارسی در دو مجلد بزرگ نوشته است.

دندان‌پزشکی جرجانی از یادگار

دکتر محمد ابراهیم



دندان‌پزشکی جرجانی از یادگار

۶

صاحب کتاب *كشف الظنون* در ذیل اسم این کتاب گوید: *إِنَّهُ لَمَّا أَهْدَى إِلَى نَصْرَالدینِ أُتْسَز بنِ خَوَارِزْمِشاهِ مَخْتَصِراً فِي الطَّبِّ، سَأَلَهُ وَزِيرُ مَجْدَالدینِ أَبُو مُحَمَّدٍ صَاحِبُ بَنِ مُحَمَّدِ الْبَخَارِيِّ إِیضاًحَةً فَأَجَابَ بِه تَأْلِیْفُ الْأَعْرَاضِ مَلْخِصاً مِنْ تَأْلِیْفِهِ الْمَسْمُوعِ بِالذَّخِیرَةِ الْخَوَارِزْمِشَاهِیَةِ / او به هنگام پیشکش کردن این کتاب به نصرالدین اتسز فرزند خوارزمشاه گفت کوتاه‌کتابی در دانش پزشکی است و در برابر پرسش مجدالدین ابومحمد صاحب فرزند محمد بخاری پاسخ داد که این کتاب کوتاه‌نویسی شده کتاب ذخیره خوارزمشاهی است.*

دیگر از کتب وی یادگار طبی است که نیز به فارسی است و کتاب *خفی العلائی* است و رساله‌ای است در حفظ صحت که در چهارصد و نود و پنج تألیف نمود ...<sup>۱</sup>

سید اسماعیل جرجانی افزون بر دانش پزشکی و ورزشی در درمانگری، به فراگیری دانش حدیث و تصوف پرداخت و از برجستگان این علوم اوائل نیز شد.

وی حدیث و تصوف را از زین‌الاسلام ابوالقاسم قشیری فرا گرفت.

جرجانی به حدی رسید که فقیه و دانشمند بزرگی هم‌چون ابوسعید سمعانی از وی اجازه روایت حدیث گرفت.

جرجانی در وقت مرگ قشیری ۳۱ ساله، و سمعانی در زمان مرگ جرجانی ۲۵ ساله بود؛ بنابراین، می‌توان گفت: سید اسماعیل در نیشابور در همان روزگاری که در خدمت ابن‌ابی‌صادق پزشکی می‌آموخت، از امام قشیری فقه و حدیث آموخته و به پیروی او، رهسپار وادی تصوف بود. سمعانی نیز حدیث و شاید برخی دیگر از دانش‌ها را در جوانی قاعدتاً در شهر مرو از جرجانی آموخت.

سید اسماعیل جرجانی سرانجام در سال ۵۰۴ ق رهسپار خوارزم شد و به دربار قطب‌الدین محمد فرزند نوشتکین سرسلسله خوارزمشاهیان پیوست. قطب‌الدین محمد از ۴۹۰ - ۵۲۲ ق در خوارزم حکومت می‌کرد و دربار او در جرجانیه مجمع اندیشمندان بزرگ و دانشمندان والجاه بود.

<sup>۱</sup> مطرح الأنظار، ۲۰۶-۲۰۷.

نک: مطرح الانظار فی تراجم أطباء الأعصار و فلاسفة الأمصار، فیلسوف الدوله میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمدحسن مجتهد فرزند میرزا محمدکریم زنوزی تبریزی (۱۲۴۳ - ۱۳۲۰ خ)، تبریز، ۱۳۳۴ خ.

دکتر محمد ابراهیم

دندان‌پزشکی جرجانی از یادگار

۷

خوارزمشاه مقدم استاد را گرامی داشت و چنان که پیش از این یاد شد برای وی ماهیانه هزار دینار، یعنی هزار سکه طلا مقرر تعیین کرد و تولید داروخانه بهاءالدوله را به عهده او قرار داد. به نظر می‌رسد که بهاءالدوله یکی از بزرگان خوارزم باشد. داروخانه در خراسان و خوارزم مفهوم بیمارستان را داشت<sup>۱</sup> و چنان که جرجانی گوید وی تیماردار آن جا، یعنی رییس بیمارستان بود.

جرجانی با وجود مشغولیت در داروخانه و پاسخ مراجعین و درمان بیماران در همان سال ۵۰۴ ق نوشتن کتاب بزرگ ذخیره را به زبان پارسی به پایان رسانید و آن را به نام قطب‌الدین خوارزمشاه، «ذخیره خوارزمشاهی» نام نهاد. جرجانی قبل از کار ذخیره، کتاب قانون ابن‌سینا را به فارسی ترجمه کرده بود و این اثر تا زمان ابن‌اسفندیار و سال‌ها بعد در دسترس بود و اکنون خبری از آن نداریم. شاید این کار بزرگ، نخستین گام او برای نگاشتن کتابی سترگ در پزشکی پارسی بود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> شیخ عطار رئیس داروخانه، یعنی بیمارستان نیشابور بود، چنان که خود گوید:

به داروخانه پانصد شخص بودند که در هر روز نبض می‌نمودند

در داروخانه به مفهوم امروزی که نبض کسی را نمی‌گیرند، پس مقصود درمانگاه؛ یا بیمارستان نیشابور است. (خسرونامه، عطار ۳۳؛ تاریخ بیمارستان‌های ایران، ۸۹). حدود دو قرن و نیم پس از سید اسماعیل جرجانی، ابن‌بطوطه (د: ۷۷۹ق) از بیمارستان خوارزم یاد می‌کند: در خوارزم بیمارستانی هست که طبیعی شامی به نام صیهون آن را اداره می‌کند. صیهون از بلاد شام است. (سفرنامه ابوبطوطه، ۴۰۶؛ تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ایگناتی یولیانوویچ، کراچکوفسکی، ترجمه ابو القاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹خ؛ سفرنامه ابن بطوطه (رحله ابن بطوطه)، ترجمه موحد، تهران، بنگاه علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱خ)

نک: نُحْفَةُ الثُّطَا فِي غَرَائِبِ الْأَمْصَارِ وَ عَجَائِبِ الْأَسْفَارِ (نگارش: ۷۲۵ - ۷۲۹ق / ۱۳۲۵ - ۱۳۵۴م)، رحلة ابن بطوطه، ابن بطوطه ابو عبدالله محمد فرزند عبدالله فرزند محمد فرزند ابراهیم لواتی طنجی (۷۰۳ - ۷۷۰ق)، چ. پاریس، ۱۸۵۳ - ۱۸۵۸؛ دیگر: چاپ فؤاد افرام بستانی، ۱۹۲۷م؛ دیگر چاپ علی منتصر کتانی در سال ۱۹۷۲م؛ دیگر تحقیق عبدالهادی التازی، چاپ فاس، مغرب، ۱۹۹۷م، پنج جلد، ۱۵۴۹ برگه.

<sup>۲</sup> نک: تاریخ طبرستان، برگه بیست و هفت.

دکتر محمد ابراهیم

جرجانی در ذخیره مطلبی را در مورد ترجمه فارسی قانون ابن‌سینا که توسط ابوعبید جوزجانی شاگرد وفادار و زندگی‌نگار ابن‌سینا انجام گرفته بود، یاد می‌کند که در هیچ مدرک دیگری نیست، و می‌رساند که حدود شصت سال قبل از ترجمه قانون توسط او، ابوعبید این کتاب را به شیوه‌ای که مورد پسند سید نبود، ترجمه کرده است.

**علی فرزند زید بیهقی ضمن تعریضی که به جوزجانی کرده، گفته است:** وی شرحی از مشکلات قانون را به آخر دانشنامه‌ی علایی (رساله‌ی علائیه) اضافه کرد، شهرزوری نیز تقریباً همین مطلب را می‌گوید. در دانشنامه‌ی علایی که موجود است شرحی از مشکلات قانون ذکر نشده، و اصولاً دیگر خبری از ترجمه قانون ابوعبید نداریم.

رکن‌الحکماء در مطرح‌الأنظار، رساله‌ای در حفظ صحت نوشته‌ی سال ۴۹۵ را به جرجانی نسبت داده، و دهخدا همین رساله را خود دیده که تاریخ ۴۹۵ ق دارد و به نام خوارزمشاه است. دیگر از این رساله خبری یافت نشد و قاعدتاً بیش و کم با بخش دوم کتاب اغراض: اندر تدبیر حفظ‌الصحة: صفحات ۲۰۱ - ۲۴۳ کتاب حاضر، و کتاب سوم ذخیره خوارزمشاهی: اندر نگاه داشتن تندرستی (صفحات ۱۱۶ - ۲۱۲) مطابقت دارد.

اگر در تاریخ آن اشتباهی نبوده باشد، باید گفت: حدود ده سال پیش از انجام نوشتن همه‌ی ذخیره، قسمتی از آن را نگاشته و به نام قطب‌الدین محمد خوارزمشاه نموده است، هر چند با ژرف‌نگری در ذخیره می‌توان دریافت که تحقیق در مدارک و نوشتن ذخیره حتی برای بزرگ‌پرتوانی هم چون جرجانی بیش از ده سال وقت برده است که مؤلف آن را به ویژه در روزگار اقامت در مرو نگاشته و چون در خوارزم مسکن گزید، همان را در سال ۵۰۴ ق تنظیم و به نام خوارزمشاه تکمیل نمود.

جرجانی در دوران حکومت علاءالدوله آتسز خوارزمشاه به درخواست آن پادشاه که به پیروی از پدر، حامی و ارادت کیش سید بود و به سفارت و وساطت وزیر او ابو محمد صاحب فرزند محمد بخاری که او نیز در زمره مشتاقان استاد بود، پیرانه‌سر، خلاصه یا کتابی دیگر را بر مبنای ذخیره نگاشت که بسیار گسترده‌تر از خفی علایی و یادگار است.

وی این کتاب را به یاد علاءالدوله، اغراض‌الطبیة و المباحث‌العلائیه نام نهاد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> نک: دیباجه اغراض‌الطبیة. أغراض‌الطبیة و المباحث‌العلائیه، زین‌الدین ابوالفضائل سید اسماعیل فرزند حسین جرجانی (۴۳۴ - ۵۳۵ ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰ م)، پژوهش حسن تاج‌بخش، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ خ.

یادگار

اسماعیل فرزند حسن فرزند محمد فرزند احمد حسینی جرجانی

با آوازۀ

سید اسماعیل جرجانی

به کوشش

مهدی محقق

تهران ۱۳۸۲ خ

دندان‌پزشکی جرجانی از یادگار

دکتر محمد ابراهیم ذاکر

## دهان و لب و زبان و دندان و حنجره و حلق

## آماس بافت نرم

ترک لب<sup>۱</sup>

درمان آن: پیه مرغ به روغن کنجد بگذارند و نشاسته و کتیرا و مازو همه کوفته و بیخته در هاون کنند و بمالند تا هموار شود و طلا کنند و آن پوست تنک که اندرون خایه مرغ باشد بدان نهند و چند روز بگذارند و هر شب نشیمنگاه به روغن بنفشه چرب می کنند.

## دمیدگی دهان

درمان آن: رگ قیفال زنند؛ یا بر گردن حجامت کنند؛ یا چهار رگ زنند و به آب انار ترش و شیرین و شیر خشت طبع را نرم دارند و سماق و عدس و گلنار و حب آس و هلیله زرد اندر گلاب بجوشانند و بیالیند و اندر دهان می گیرند.  
اگر دمیدگی سپید بود حضيض<sup>۲</sup> اندر سرکه بجوشانند و بیالیند و بدان دهان شویه کنند و سعد و فلفل و کبابه و عاقرقرا بکوبند و بپزند و به آبکامه دهان شویه کنند.

اگر سیاه بود زرنیخ سرخ و زرد و بوره و زاج و افاقیا<sup>۳</sup> و مازو و نارپوست (پوست انار) بکوبند و با انگبین بسرشند و در خنبره [کوزه] کنند و در گل گیرند در آتش بریان کنند و پس از آن از خنبره بیرون کنند و بکوبند و به دهان در می کنند، پس کزمازو و حب آس در سرکه بجوشانند و بدان دهان شویه کنند.

<sup>۱</sup> سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۵۳۲ - ۵۳۶.

<sup>۲</sup> حضيض: گویا حضض باشد نادرستی در تایپ کتاب و یا رونویس کننده دست نوشته باشد.

<sup>۳</sup> أفاقيا (Acacia Arab; Wild gum; Arabic tree): (قاموس)

اگر بسوزاند روغن گُل اندر دهان گیرند، سودمند بود.

### خون آمدن از بن دندان

**گزاره درمان آن:** بگیرند نار و پوست سی درم، گلنار و مازو و شب یمانی و عاقرقرا از هر یکی ده درم، سماق پانزده درم، نمک هندی پنج درم، حب آس ده درم، بکوبند و بسرشند و طلا کنند.

**گزاره دارویی دیگر:** بگیرند گلنار و گُل سرخ و عدس بریان کرده از هر یکی یک جزو و نمک هندی دو جزو و زاگ سوری یک جزو و قلقند<sup>۱</sup> دو جزو، عاقرقرا و کزمازو، از هر یکی یک جزو و بکوبند و اندر می دمند.

شیخ آن را افشره گیاه قرظ به شمار می آورد. جالینوس گوید: شیرابه آن می باشد. برخی آن را صمغ عربی دانستند. دارای گزندگی است که با خیساندن از میان می رود؛ زیرا از یک گوهر زمینی ساخته شده است. بندآورنده و هم آورنده است گوهر آن سبک و لطیف است که انگیزه گزندگی اش می باشد. سرشت آن سرد در مرتبت دوم و خشک کننده است. از خونریزی جلوگیری می کند و برای ترک پدید آمده از سرما و سستی بندها و زخم های دهانی و زخم های روده ای و شکمروش خونی و برای تیزتر کردن بینایی و آرام کردن چشم درد سودمند می باشد. (بحر الجواهر، ۳۳)

شیرابه است که از درخت «اکاسیا» می گیرند و عربان آن را «قَرْظ» مصریان «أم غیلان» نامند که درختی بزرگ با شاخ و برگ بسیار که بلندای آن به بیست پا می رسد به جز آن خارهای گزنده با نوک بسیار دیده می شود از این رو برخی نام «شوکه المصریه» بدان داده اند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۶۳۹)

واژه اقاچیا برگرفته از ریشه یونانی آکاسیا، افشره خاری است در دباغی پوست به کار می رود. سخت و سیاه رنگ است. صمغ خار مگیلان، اگر به خود برگیند خون ماهانه را بند می آورد. (آنندراج)

<sup>۱</sup> قلقنت (Qalqant): قلقند نام علمی آن سولفات مس که نمکی بسیار سوزاننده پوست و خورنده گوشت است زاگ کبود؛ یا زاگ سرخ نامیده می شود. (آنندراج)

## آسیب بافت سخت دهان

## سستی دندان

گزاره‌درمان آن: بگیرند ابهل و مازوی سبز و شب یمانی و عاقرقرا و گلنار و کزمازو و سماق بی دانه و هلیله زرد و سعد و سنبل و پوست بیخ کبر و جوز<sup>۱</sup> و مر و فلفل و زنجبیل و عود سوخته بکوبند و بپزند و در بن دندان می مالند نافع بود.

## خورده شدن گوشت بن دندان

گزاره درمان آن: شخار کوفته و به انگبین سرشته در می مالند گوشت تباہ را پاک کند و گوشت تازه برویاند. ناخوشی بوی دهان اگر از شکمبه بود اطریفل کوچک و شراب افسنتین و ایارج فیقرا و زردآلوی خام و پخته و ماء الفواکه [افشره میوه‌ها] سود دارد و اگر از دندان بود به مسواک و خلال پاک باید داشت<sup>۲</sup>.

## سرشته خوشبوکننده بوی بد دهان

گزاره: بگیرند برگ مورد و مویز دانه بیرون کرده راستاراست بکوبند و بسرشند شربت بامداد و شبانگاه چند جوزی<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> جوز (گردو): به یونانی «فاروو» نامیده می‌شود. جالینوس در مقاله هفتم از کتاب ادویة المفردة گوید: برگ‌ها و شاخه‌های این درخت ویژگی بندآورنده دارد؛ لیکن پوست بیرونی میوه که تازه باشد ویژگی بندآورندگی بیشتری در بردارد و به همین رو رنگرزان آن را نیز به کار می‌برند. پس از تهیه افشره از پوست تازه آن، آن را همراه با افشره توت و میوه علیق با عسل می‌پزند. افشره جوشانده آن برای آماس دهان و حلق بسیار سودمند خواهد بود. (اختیارات بدیعی)

<sup>۲</sup> سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان‌پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹خ، برگه ۵۳۲ - ۵۳۶؛ یادگار، برگه ۱۰۰ - ۱۰۱.

<sup>۳</sup> یادگار، ۱۰۰ - ۱۰۱.

## درد دندان

**درمان آن:** درد دندان اگر به آب سرد ساکن شود رگ زند و حجامت کنند و به آب انار و حب شبیار<sup>۱</sup> طبع فرود دارند و به سرکه و گلاب دهان شویه کنند و چهار رگ سنون<sup>۲</sup> [زوق] سود دارد و عاقرقرا بکوبند و با کافور اندر میان پنبه کنند و دندان بر وی نهند.

و اگر به آب گرم ساکن شود ایارج فیکرا دهند با شحم حنظل و عاقرقرا و گلنار و سعد و زرنباد<sup>۳</sup> بگیرند و در سرکه بجوشانند و بدان دهان شویه کنند.

<sup>۱</sup> حب شبیار بدین صفت: ایارج فیکرا یک درم، افتیمون نیم درم، اسطوخودوس دو دانگ، شحم حنظل دانگی و نیم، حجر ارمنی، حجر لاژورد از هر یکی دانگی و نیم خربق سیاه دانگی، کثیرا نیم دانگ، حب کنند، چنان که رسم است. اگر ماده خونی بود یا صفرائی شبیار برین صفت سازند: فیکرا درمی، هلیله زرد و افتیمون از هر یک نیم درم، سقمونیا دانگی و نیم، و با مطبوخ هلیله دهند. (اغراض، ۴۷۰)

<sup>۲</sup> سنون: *Tooth powder; dentifrice; tooth brush* با حرکت زبر که ج سنونات است. داروهای خشک ساییده که با آن دندان ها را مالش می دهند و می شویند تا درخشان و روشن و استوار بمانند. (بحر الجواهر)

دهانشویه، شستشودهنده های دهان. هر چیزی که دندان ها روشن و درخشان کند. گرد دندان - پودر دندان - استفاده پودر دندانی. (رنجبر، ۹۶) آن که ادویه ساینده بر روی دندان مالند (دهان شو / دندان شو) (رنجبر ۲۶۰؛ آندراج)

سرشته هایی که خشکی آن ها میانه است و در درمان بیماری های دهان و دندان به کار می روند. (تذکره انطاکی)

داروها و گردهای ویژه مسواک زدن برای پاکیزه کردن دندانها و درمان آن می باشد داروهای آمیخته که بدان مسواک کنند و دندان ها را بدان مالند. (ذخیره)

(۱) سنون جهت اقسام قلاع. شب و عفس را بالسویه ساییده سنون کنند و بغایت مفید است؛ (۲) سنون جهت دندان متحرک مجرب حکمای هند است. ودع سوخته و سرنج را بالسویه سنون کنند؛ (۳) سنون جهت قلاع سوداوی و مویر بیدانه و انیسون را بالسویه با عسل سنون کنند. نوع دیگر: برگ عوسج، برگ زیتون و افاقیا از هر کدام یک جزو، قلقطار و صعتر و شب و زاج سفید از هر یک خمس جزو و بیخ سوسن ثلث جزو و زعفران ربع جزو. (تحفه، ۳۴۳).

<sup>۳</sup> زرنباد (*Zaranbād*): *Carcuma zedoria; Roxb - Long zedoary* (قاموس) از نام های آن زنجبیل زرنبادی، زروارد، عرق الکافور، عرق



## سیاهی دندان

درمان آن: بگیرند قنبیل ده درم، مازوی سوخته و ساوج هندی از هر یکی دو درم، بکوبند و بیزند و بیامیزند و بدان می مالند.

## سنون بزرگ

دندان سپید کند و دندان را خوشبو کند.

گزاره آن: بگیرند مسحقونیا و زبد البحر و سفال چینی و دانه هلیله زرد از هر یکی دو درم، عاقرقرا و سعد و گلنار و پوست بیخ کبر و سنبل و عود سوخته از هر یکی یک درم، شخار سه درم، شکر ده درم و بدان مسواک کنند.

گزاره دارویی دیگر: گل سرخ و گلنار و دانه هلیله زرد و سنبل و نمک هندی و عود سوخته و حب آس و قرنفل و خیربوا و کبابه و کفک دریا از هر یکی یک جزو و سعد و عاقرقرا از هر یکی سه جزو.

## آماس زبان

آماس زبان را علاج آن، علاج دمیذگی دهان باشد.

## ترکیدن پوست زبان

گزاره درمان آن: ترکیدن پوست زبان با نگاه داشتن سپستان<sup>۱</sup> در دهان درمان می شود.

الطیب است. مردم «کافوره الکعک» به آن می گویند. گیاهی است که رستنگاهش دشت دکن و کوه های پیرامون آن می باشد به بلندی دو و جب می رسد ریشه بویناک و تند مزه هم چون تندی زنجبیل دارد. برخی از ریشه های آن شیرین مزه و با کارکرد کم تر و ریشه های تلخ مزه ارزش درمانی بالاتری دارند. و از هر دوی آن ها بویناک تر است آن را در چاشنی ها به کار می برند. سرشت آن گرم و خشک در دوم است اگر تازه آن را بکوبند و بر کف پا بمالند هر علتی که در سر باشد از میان می برد این گیاه مانند همه تیره های زنجبیلی در سرزمین هند و مالزی می روید در درمان به عنوان نیروزا و بادشکن و در تهیه برخی لیکورها کاربرد دارد. (تحفه، ۱۳۴)

گرمی و خشکی بیشتر دارد و برای بادهای گردآمده در زهدان و نیش گزندگان سودمند می باشد. (فردوس ع، ۴۰۲)

<sup>۱</sup> سپستان (Csebistan): *Cardia latifolia Roxb*; (قاموس)

هم‌چنین جرعه‌جرعه خوردن لعاب اسبغول<sup>۱</sup> درمان‌کننده آن است.

**گرانی زبان:** بگیرند نوشادر و عاقرقرا<sup>۲</sup> و فلفل و خردل راستاراست کوبند و بپزند و اندر بن زبان می‌مالند و لعاب بیرون می‌ریزند.

سپستان گرم و نمور و یا سرد و نمور است. در «منهاج» میانه آمده است که روان‌کننده سوداء و نرم‌کننده شکم و سینه و گلو می‌باشد. تشنگی را فرو می‌نشاند و برای درمان سوزش پیشابی پدید آمده از زردآب در گرده و پیشابدان سودمند است. کرم‌ها را می‌راند و زیان داروهای روان‌کننده را از روده‌ها و اندام‌های درونی شکم دور می‌سازد. اندازه خوراکی آن سی دانه می‌باشد. (بحر الجواهر، ۱۹۴)

مخیط (چسب شکار گنجشک) خوانده می‌شود میوه درختچه‌ای است که در سرزمین‌های گرمسیری می‌روید برگ‌های کلفتی دارد که روی بالایی خود را می‌پوشاند دارای زبری‌های به صورت نقطه‌های کوچک سپید می‌باشد. میوه آن تخم‌مرغی شکل مانند «برقوق» (آلوی کوچک)، است ولی از نظر اندازه یک زیتون بزرگ با رنگ سپید که به زردی گراییده و دارای هسته‌ای بزرگ سه گوش می‌باشد، و پیرامون آن را گوشت میوه فراگرفته بی‌بو و خوش‌مزه است. (منصوری، برگردان ذاکر، ۶۹۱).

<sup>۱</sup> اسبغول: عربی آن بزرقلوناست و به یونانی فسلیون به معنی برغوثی، یعنی شبیه به برغوث و به فارسی اسفیوس و اسبغول و اسبغل بوا و در اصفهان مشهور به اسپرزه و در شیراز به بنکو و شکم دریده نیز و به ترکی قارنی باروق نامند و آن گیاهی است شبیه به گندنا. لاتین *Plantago Psyllium* فرانسه *Herbe Aux POUCES* انگلیسی *Fleasuort* (اختیارات، ۵۷)

اسپیوش: اسفرزه، اسبغول، بزرقلوناست. (فردوس‌ع، ۱۵۲)

<sup>۲</sup> عاقرقرا (بیخ ترخون روحی) لاتین *Anacyclus Pyrenthum* فرانسه *Pyrenthe* انگلیسی *Pellitory of spam* (اختیارات، ۲۹۲).

عاقرقرا: بیخ «طرخون کوهی» را «عاقرقرا» گویند. و ابوریحان گوید در کوه‌های بامیان «عاقرقرا» بزرگ شود و برگ او به مقدار هم بزرگ‌تر باشد از برگ «عاقرقرا» که منبت او در بلد دیگر باشد، و بیخ او سطریر باشد. و این نام لغت یونانی است. و گفته است نبات او را اکیلی باشد چنانکه نبات «شبت» را و به «سعد» مشابهت دارد و بیخ او به سطریری به اندازه انگشت باشد. و در بعضی کتب صیدنه آورده اند که طعم او تیز باشد به مثابته که زبان را بسوزد، و چون شکسته شود لون او سرخ باشد. خاصیت او: درد دندان را که ماده او از سردی بود منفعت کند (صیدنه، ۴۷۱).

## ضفدع

ضفدع<sup>۱</sup> اگر با وی حرارت بود آب عنب الثعلب<sup>۲</sup> و آب انار ترش و سماق و گل و خرنوب و مازو و نارپوست و حب آس و کزمازو و آهک بپزند و آن را بیالایند و آن آب را اندر دهان می گیرند.  
و اگر حرارت نباشد زاگ و نوشادر و شب یمانی سوده، بدو رسانند<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> ضفدع تحت اللسان *Ranula below the tongue*: غده قورباغه‌ای، یکی از سه غده بزاقی دهان می‌باشد که بر دو سوی فرنوم زبانی قرار گرفته‌اند و چون به شکل قورباغه است، به این نام قورباغه خوانده می‌شود.

ضفدع، غده سخت باشد که اندر زیر زبان پدید آید و این علت را این نام از بهر آن نهادند که لون او آمیخته است از لون زبان و سبزی و رنگها همچون لون ضفدع. و ضفدع را اندر خراسان *وَقَّ* گویند، و غوک نیز گویند. علاج، داروهای تحلیل کننده بر می‌باید نهاد، چون نمک و سرکه و نوشادر و زنگار و زاگ. و اگر بدین زایل نشود؛ داروهای قوی‌تر از داروهای قلاغ بر باید نهاد، و رگ زیر زبان زدن. و کودکان را سعترا و انارپوست و نمک برنهند و اندر زیر زبان مالند. و زاگ سوخته و سرنجان بسپیده خایه مرغ بسرشند و طلی کنند. (اغراض، ۵۶۴ - ۵۷۰)

<sup>۲</sup> عنب الثعلب *Solanum nigrum linn; Garden night shade*: *Inab al-thālab* (قاموس) عنب الذئب نام دیگر آن است. واژه تازی آن «ضنا» است، پرشاخه و برگ و میوه آن انگوری شکل که از انگور کوچکتر است. رنگ آن قرمز یا سپید و مزه شیرین که به ترشی می‌گراید. مردم آن را میوه‌ای اشتهازا به شمار می‌آورند و می‌خورند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۱۹) میوه گیاهی سرخ با نام‌های تاجریزی، داردست، سگنگور، سقنقور، سنگ انگور، سپنگور و روپاس خوانده می‌شود. پرورشی آن کاکنج، خودروی آن فنا گفته شده است. دارای مزه گوجه‌فرنگی است. آرام کننده تشنگی و از میان برنده آماس درونی و بیماری‌های شکمی و روان کننده زردآب و از میان برنده دل پیچه، زحیر، آماس نشستگاه و استسقای گرم است و تنقیه آن برای دیوانگی و بیماری شری و آماس شکمبه و روده، بادسرخ و پماد آن برای جای سوختگی و زخم آبله و زخم‌های رونده و سرطان چرکین و درد سر خوب است. افسره آن برای نیروبخش بینایی و پرزجه آن برای بند آوردن خون ماهانه و نموری‌ها و پماد آن با نمک برای خارش و گری و دهانشویه آن برای درد دندان سودمند است. (تحفه، ۱۸۶)

<sup>۳</sup> یادگار، برگه ۱۰۲ - ۱۰۳؛ سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۵۳۲ - ۵۳۶.

## نمایه کتاب و مقاله

- أبنيه عن الحقايق الأدوية ياروضه الأئس و منفعة النفس، موفق الدين ابومنصور على هروى (ز ۳۵۰ ق) پژوهش احمد بهمنيار و حسين محبوبى اردکانى، چ تهران، ۱۳۴۶ خ.
- اختيارات بديعى، زين الدين على انصارى شيرازى فرزند حسين (۷۲۹ - ۸۰۶ ق) به كوشش دكتر محمدتقى مير، چ تهران، ۱۳۷۱ خ.
- أغراض الطبية و المباحث العلايية، زين الدين ابوالفضائل سيد اسماعيل فرزند حسين جرجانى (۴۳۴ - ۵۳۵ ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰ م)، پژوهش حسن تاجبخش، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ خ.
- بحر الجواهر في حل لغات السائر، محمد هروى فرزند يوسف (ز: ۹۳۸ ق)، چاپ سنگى، تهران، ۱۲۸۸ ق؛ ديگر: مؤسسه احياء طب طبيعى، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكى طب اسلامى و مكمل، قم، ۱۳۸۷ خ.
- تاريخ بیمارستانها در ايران (از سال ۵۵۰ تا ۱۹۵۰ م)، ويلم فلور، ترجمه ايرج نبى پور، دانشگاه علوم پزشكى و خدمات بهداشتى درمانى بوشهر، ۱۳۹۳ خ.
- تاريخ بیمارستانهاى ايران (از آغاز تا عصر حاضر)، حسن تاجبخش، پژوهشگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى، تهران، بيست + ۳۸۲ برگه.
- تاريخ دامپزشكى و پزشكى ايران (دوران اسلامى)، جلد دوم، حسن تاجبخش، سازمان دامپزشكى كشور، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ خ، ۸۲۸ برگه.
- تاريخ دامپزشكى و پزشكى ايران (دوران باستان)، جلد يكم، حسن تاجبخش، سازمان دامپزشكى كشور، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ خ، ۴۷۰ برگه.
- تاريخ طبرستان، ابن اسفنديار، بهاءالدين محمد فرزند حسن (تأليف ۶۱۳ ق) + اولياءالله أملى (تأليف ۷۶۰ ق)، تصحيح و مقدمه نگارى عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۰ خ، دو جلد.

- تاریخ گزیده (نگارش: ۷۳۰ ق / ۱۳۳۰ م)، حمدالله مستوفی فرزند تاج‌الدین ابوبکر فرزند حمد فرزند نصر قزوینی (۶۸۰ - ۷۵۰ ق / ۱۲۸۱ - ۱۳۵۰ م) چ. بارباریه دومنار، ۱۸۵۷ م؛ دیگر: چ. ادوارد براون، گیب، لندن، لوراک، ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰ م / ۱۲۸۸ خ؛ به کوشش عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ خ.
- تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ایگناتی یولیانوویچ، کراچکوفسکی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹ خ؛
- تاریخ حکماء الإسلام؛ یا تتمه صوان الحکمة، ابن‌فندُق، ظهیرالدین ابوالحسن علی فرزند ابوالقاسم زید بیهقی (۴۹۹ - ۵۶۵ ق / ۱۰۹۷ - ۱۱۶۹ م)، چ. لاهور، ۱۳۵۹ ق؛ دیگر: تحقیق محمد کردعلی، مطبوعات المجمع العلمی العربی بدمشق، مطبعة العربی، دمشق، ۱۹۴۶ م؛ دیگر: ترجمه فارسی آن درة الأخبار، منشی یزدی، چ. تهران ۱۳۱۸ خ.
- تُحْفَةُ النُّطَازِ فِي غَرَائِبِ الْأَمْصَارِ وَ عَجَائِبِ الْأَنْشَاقِ (نگارش: ۷۲۵ - ۷۲۹ ق / ۱۳۲۵ - ۱۳۵۴ م)، رحلة ابن بطوطه، ابن بطوطه ابو عبدالله محمد فرزند عبدالله فرزند محمد فرزند ابراهیم لواتی طنجی (۷۰۳ - ۷۷۰ ق)، چ. پاریس، ۱۸۵۳ - ۱۸۵۸؛ دیگر: چاپ فؤاد افرام بستانی، ۱۹۲۷ م؛ دیگر چاپ علی منتصر کتانی در سال ۱۹۷۲ م؛ دیگر تحقیق عبدالهادی التازی، چاپ فاس، مغرب، ۱۹۹۷ م، پنج جلد، ۱۵۴۹ برگه.
- تحفه حکیم مؤمن؛ یا تحفة المؤمنین، محمد مؤمن طبیب فرزند محمد زمان حسینی (د ۹۲۳ ق)، پیشگفتار دکتر نجم‌آبادی، چ. تهران، ۱۳۳۸ خ؛ (تحفه) + چاپ مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی - پژوهش رحیمی و اردکانی و فرجامند، ۱۳۸۶ خ (تحفه ن).
- تذكرة أولى الألباب و الجامع للعجب العجاب، داود فرزند عمر انطاکی، مكتبة الثقافية، بیروت؛ چاپخانه اظهريه، ۱۳۲۴ ق. تطبیق فرهنگ اصطلاحات شایع پزشکی در طب سنتی با فرهنگ اصطلاحات پزشکی در طب نوین (پزشکی جدید) دکتر نبی‌الله رنجبر، استاد راهنما محمد حسن خسروی، بندر عباس - ۱۳۷۸ خ. ← (رنجبر)
- حبیب السیر فی أخبار أفراد البشر (نگارش: ۹۳۰ ق)، غیاث‌الدین خواندمیر فرزند هم‌ام‌الدین (۸۸۰ - ۹۴۱ ق)، چ. سنگی، بمئی، ۱۲۶۳ ق؛ دیگر: چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۲ ق؛ دیگر: کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۳۳ خ، چهار جلد؛ دیگر: مقدمه جلال‌الدین همایی و فهرست هر جلد از محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۳، چهار جلد.

خسرونامه، فریدالدین ابوحماد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ ق / ۱۱۴۶ - ۱۲۲۱ م)، تصحیح احمد سهیلی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۵۵ خ؛ دیگر: مؤسسه فرهنگی اندیشه در گستر، تهران، ۱۳۸۲ خ.

الذخيرة في الطب را برای سلطان علاءالدین تکش خوارزمی به سال ۵۰۴ ق نوشت. هر دو از لیسید الامیر المرتضی زین الدین تاج العترة أبي ابراهیم إسماعیل بن الحسین بن الحسن الجرجاني المتوفى (۵۳۵) أو (۵۳۱) و به فارسی هستند. (ذریعه، ج ۱۰، ۱۰، شماره ۵۳)

ذخیره خوارزمشاهی اسماعیل جرجانی فرزند حسن (د ۵۳۱ ق) فکسیمیل به کوشش دانش پژوه، افشار، چ. تهران، ۱۳۴۴ خ. ← (ذخیره ف)، و چاپ پنج کتاب به کوشش دکتر محمد رضا محرری، فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۰ خ ← (ذخیره)

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني والعشرون، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴ خ)، چاپخانه اسلامی، تهران، ۱۳۵۳ خ / ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۴ م، شناسه ۵۷۲۰ - ۷۸۱۰ برابر ۲۰۹۰ شناسه از مقالید الأبواب - منتخب هدية الملوك، ۴۴۴ برگه.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى والغلول، ایوان مدائن، آقابزرگ الطهرانی، محمد محسن نزیل سامراء (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق)، مطبعة الغري، نجف الأشرف، ۱۳۱۵ خ / ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م، ۲۰۴۵ کتاب از الأسارى والغلول - ایوان مدائن، ۵۲۴ برگه.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي عشر، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس شورای ملی ایران، تهران، ۱۳۳۷ خ / ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م. ۲۰۴۲ شناسه کتاب از رساله آب حیات - الزائرية، ۳۴۶ برگه.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس والعشرون، واثق - يهو، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه اسلامی، تهران، ۱۳۵۷ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.

الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء العاشر، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپخانه مجلس شورای ملی ایران، تهران، ۱۳۳۵خ / ۱۳۷۵ق / ۱۹۵۶م، ۸۸۵ شناسه از داغقه ماتم - الرسائل و المکاتیب، ۲۷۳ برگه.

رگ‌شناسی؛ یا رساله در نبض؛ یا رساله نبضیه، تصحیح محمد مشکوة، ۱۳۱۷خ، ۱۳۶ برگه؛ دیگر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (تهران) و دانشگاه بوعلی سینا (همدان)، ۱۳۸۳خ، ۱۲۶ برگه.

سفرنامه ابن بطوطه (رحلة ابن بطوطه)، ترجمه موحد، تهران، بنگاه علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱خ.

سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمد ابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹خ.

صیدنة، ابوریحان بیرونی، پژوهش حکیم محمد سعید، رانا اجسان الهی، کراتشی، موسسه ملی همدرد، هند، ۱۹۷۳م؛ الصیدنة في الطب، ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ق)، محمد فرزند احمد، پژوهش عباس زریاب خوبی (۱۲۹۸ - ۱۳۷۳خ)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰خ؛ الصیدنة في الطب، داروشناسی پزشکی، بیرونی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، تهران، ۱۳۸۳خ؛ صیدنه، برگردان کاسانی، پژوهش استاد ایرج افشار، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی وابسته به دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷خ؛ الصیدنة في الطب، داروشناسی پزشکی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: نشر آثار، ۱۳۸۳خ.

فردوس الحکمة في الطب (نگارش: ۲۳۶ق)، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری (د: ۲۶۰ق)، پژوهش محمد زبیر صدیقی، چ برلین، ۱۹۲۸م؛ دیگر: معهد تاریخ العلوم العربیة الاسلامیة، دانشگاه فرانکفورت ۱۹۹۶م / ۱۴۱۶ق؛ دیگر: پژوهش عبدالکریم سامی جندی، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲م / ۱۴۲۳ق؛ دیگر: برگردان محمد ابراهیم ذاکر و علی نقی منزوی، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱خ.

فرهنگ آندراج، محمد پادشاه «شاد» به کوشش محمد دبیرسیاقی، چ تهران، ۱۳۳۵خ. ← آندراج.

گرشاسب‌نامه، اسدی طوسی ابونصر علی فرزند احمد (۳۹۰-۴۶۵ق)، تصحیح حبیب یغمایی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۴خ، ۵۳۶ برگه.

لغت فرس، اسدی طوسی، ابونصر علی فرزند احمد (۳۹۰-۴۶۵ق)، تصحیح محمد دبیرسیاقی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۳۶خ، ۲۸۸ برگه.

مطرح الأنظار في تراجم أطباء الأعصار و فلاسفة الأمصار، فیلسوف الدوله میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمدحسن مجتهد فرزند میرزا محمدکریم زنوزی تبریزی (۱۲۴۳-۱۳۲۰خ)، تبریز، ۱۳۳۴خ.

معجم البلدان، یاقوت حموی شهاب‌الدین ابوعبدالله فرزند عبدالله رومی (۵۷۴-۶۲۶ق / ۱۱۷۹-۱۲۲۹م)، چاپ لایپزیک (۱۸۷۳-۱۸۶۶م) افست تهران، ۱۹۶۵م، برگردان به پارسی دکتر علی نقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پارسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳خ به چاپ رسانید و امید به چاپ دیگر جلد‌های ترجمه شده آن. من [ذاکر] نزدیک به سه سال است که پیگیر چاپ مانده ترجمه دکتر منزوی بودم و در رفت‌وآمدها به پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی ترجمه کامل و چاپ نمونه آن را در حضور ریاست محترم آن مرکز آقای دکتر مسیب امیری دو بار دیدم. یک بار دی ماه ۱۴۰۰ به همراه دکتر حجت‌الحق حسینی و مهندس ارفعی در حضور ریاست برای یافتن راهی جهت چاپ آن بود که ریاست محترم تقاضای همراهی بنیاد و مرکزی جهت همیاری برای چاپ داشتند و بار دیگر به همراه دکتر اکبر ایرانی قمی ریاست مرکز پژوهشی میراث مکتوب وابسته به وزارت ارشاد، بنیادی دولتی جهت اعلام همیاری برای چاپ کامل و دوباره آن با کمک میراث مکتوب بود که افسوس بازهم در محاق فراموشی قرار گرفت. شایان توجه است که پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری در سال ۱۳۹۶خ شماره فیا جدیدی برای چاپ یک دوره کامل آن شامل شش جلد از مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران گرفته بود که من آن را در شناسنامه چاپ نمونه دیدم و در ردیابی آن از کتابخانه برابرخوانی نیز کردم. امیدوارم شرایط مالی کشور بهبود یابد تا این اثر تاریخی از دانش جغرافیا که دربرگیرنده بخشی بزرگ از تاریخ علم ایران و جهان اسلام است، به زودی پخش گردد و در دسترس اندیشمندان این مرز و بوم و کشورهای پارسی‌زبان برسد.



منتخب ذخیره خوارزمشاهی، خفی علائی یا الخفیه العلائیة نامیده می‌شود. الذریعة، ج ۲۲، ۴۰۴، شماره ۷۶۳۲ برای  
 الأمير إسفہسالار نصرالدين (بهاء الدين) محمد علاءالدولة وليعهد أئسز الخوارزمشاه نوشته شد.  
 نبضیه (رگ‌شناسی) ابن سینا به کوشش مشکوة، ۱۳۱۷ خ،  
 هداية المتعلمين في الطب، ابوبکر ربیع فرزند احمد اخوینی بخاری، به کوشش جلال متینی، دانشگاه فردوسی، مشهد،  
 ۱۳۴۴ خ.

دندان پزشکی جرجانی از یادگار

۲۲

ذکر  
 دکتر محمد ابراهیم